

واژه‌نامه انگلیسی – فارسی

Matt, Flat

مات

ویژگی سطحی که برآقیت آن در زاویه 60° درجه در گستره صفر تا ده و در زاویه 85° درجه در گستره صفر تا پانزده قرار دارد

Colourant Mixture

مخلوط رنگ‌بخش‌ها

مخلوطی از رنگدانه‌ها یا رزانه‌ها یا هر دو آنها

Oil Length, Oil Content

محتوای روغن

نسبت روغن به رزین در یک پیوستار که می‌توان آن را بر حسب نسبت وزنی روغن به ازای یک واحد وزنی رزین یا درصد آن بیان کرد

Flattening Agent

مات‌کننده

ماده‌ای که به پوشرنگ یا ورنی یا دیگر مواد پوششی افزوده می‌شود تا از برآقیت فیلم خشک بکاهد

Chip resistance

مقاومت در برابر تراشه‌پری

مقاومت فیلم ماده پوششی در برابر شکست یا پریدگی موضعی ناشی از ضربه، به ویژه در بدنه خودرو

Stain resistance

مقاومت در برابر لکشدن

مقاومت ماده در برابر لک شدن بر اثر عوامل لکه‌گذار، مانند چای و خون

Gloss measurement scales

مقیاس‌های اندازه‌گیری برآقیت

سامانه‌هایی برای تعیین عددی میزان برآقیتی که انسان با چشم درک می‌کند

Medium oil

میان روغن

ویژگی رزینی که محتوای روغن آن در حد متوسط است

Pigment binder ratio, PBR, binder ratio

نسبت رنگدانه به پیونده

نسبت وزنی کل رنگدانه به پیونده در پوشرنگ

Felting down

نمدسابی

فرآیند ساییدن سطح فیلم خشک ماده پوششی با یک تکه نمد یا جسم مشابه که مخلوطی از ذرات بسیار ریز یک سایا (abrasive) و آب یا مایعی دیگر است

Photochromism

نوررنگی

تغییر رنگ برخی مواد بر اثر تابش نور

Semigloss

نیم براق

ویژگی سطحی که میزان برآقیت آن در زاویه 60° درجه در گستره 40° تا 55° قرار دارد

Force (d) drying

وادر خشکانی

خشک کردن پوشش با قرار دادن آن در دمایی بالاتر از دمای محیط و پایین‌تر از دمای معمول کوره‌بزی

واژه‌نامه انگلیسی – فارسی

Forced (d) drying

وادر خشکش

خشک شدن پوشش بر اثر قرار گرفتن آن در دمایی بالاتر از دمای محیط و پایین‌تر از دمای معمول کوره‌پزی

Varnish

ورنی

آمیزه مایعی که پس از کشیده شدن به صورت یک لایه نازک، به فیلم جامد معمولاً شفاف تبدیل می‌شود

Varnish stain

ورنی رنگانه‌ای

نوعی ورنی که با ماده شفافی رنگی می‌شود و قدرت رسوخ آن کمتر از رنگانه است

Flatting varnish, rubbing varnish, polishing varnish

ورنی سابخور

نوعی ورنی حاوی رزین سخت که می‌توان سطح آن را سابید و صاف کرد

Low semigloss

ورنی سیاه

در صنعت برق، نوعی ورنی بر پایه روغن‌های خشکشونده و یا رزین‌های مصنوعی به همراه مواد بیتومنی، که از آن برای آغشته کردن قطعات الکتریکی استفاده می‌کنند

Flat varnish, matte varnish

ورنی مات

نوع ورنی که با درصد معینی مات‌کننده ترکیب می‌شود تا هنگام خشکشدن جلوه‌ای مات بیابد

Air drying

هواخشکانی

خشک کردن پوشش با قراردادن آن در معرض هوا و دمای محیط

Air drying

هواخشکش

خشک شدن پوشش بر اثر قرار گرفتن در معرض هوا و دمای محیط

Abbe refractometer

شکست سنج آبه

Abderhalden reaction

واکنش آبدارهالدن

Abderhalden drying apparatus

دستگاه خشک کن آبدارهالدن

Abderhalden test

آزمون آبدارهالدن

Abel group (math) syn : commutative group

گروه آبلی، گروه تعویض‌پذیر

Abel reagent

واکنش‌گر آبل

Abel tester syn: Abel closed tester

دستگاه آبل

Aberration

بیراهی

Abegg's rule

قاعده آبگ